مجله علمی پژوهش در علوم انسانی و تحقیقات میان رشته ای ، شماره ۱۶ ، تابستان ۱۳۹۸جلد۲، ص ۱۱۰-۱۰۳
http://www.jase.ir

مجله علمی پژوهش در علوم انسانی و تحقیقات میان رشته ای (سال پنجم)
شماره۱۶ / تابستان ۱۳۹۸ / ص ۱۱۰-۱۰۳

تاثیر اشغال ژاپن به دست آمریکا بر نظام آموزشی ژاپن:

مطالعه دوره زمانی ۱۹۴۶ – ۱۹۵۲

الهام عابدینی[۱]
[۱]دانشجوی کارشناسی ارشد مطالعات ژاپن، دانشگاه تهران، تهران، ایران

نویسنده مسئول:
الهام عابدینی

چکیده

نظام آموزشی کشورها می‌تواند آینه‌ای تمام قد از سیاست‌ها و الویت‌های یک کشور باشد.
یکی از مهمترین حوادث در تاریخ معاصر ژاپن، شکست این کشور در جنگ جهانی دوم و اشغال آن به دست آمریکاست. این مقاله سعی دارد با بررسی مهمترین اصلاحات آموزشی ژاپن از دوران میجی، به تاثیر اشغال ژاپن بر نظام آموزشی کنونی بپردازد.
بررسی شواهد تاریخی و تغییرات بزرگ در نظام آموزشی ژاپن در دوران اشغال به دست نیروهای آمریکایی و حتی پس از خروج آنان حاکی از تاثیرگذاری اصلاحات آمریکا بر نظام آموزشی این کشور است.
این مقاله سعی دارد به این پرسش پاسخ دهد که تا چه حد وضع سیاسی کشور بر نظام آموزشی تاثیرگذار است و در مطالعه ای موردی، کشور ژاپن در دوران پساجنگ بررسی شده است.
به طور کلی می توان نتیجه گرفت که فضای سیاسی و مناسبات خارجی ژاپن بر اصلاحات آموزشی این کشور موثر بوده است و فرضیه محقق مبنی بر تاثیر فضای سیاسی بر سیاستگذاری آموزشی تایید می شود.

کلیدواژه: ژاپن، نظام آموزشی، آمریکا، اصلاحات آموزشی، اشغال، جنگ جهانی دوم

مقدمه

هدف از راه‌اندازی نظام آموزشی در وهله نخست، علم‌آموزی و مهارت‌آموزی به دانش آموزان است اما هدف نهایی آن، شکل‌دهی به شخصیت و تفکر نسل بعدی جامعه است. (UNESCO, 2002, p. 3) بخشی زیادی از هنجارها و ارزش ها از راه نظام آموزشی به شهروندان منتقل می شود. مطالعه بر نظام آموزشی می تواند تاثیر متقابل آموزش و سیاست را بر هم نشان دهد.

این مقاله سعی دارد به این پرسش پاسخ دهد که تا چه حد وضع سیاسی کشور بر نظام آموزشی تاثیرگذار است و در مطالعه ای موردی، کشور ژاپن در دوران پساجنگ بررسی شده است. پرسش این است که اشغال ژاپن به دست آمریکا به عنوان یکی از مهمترین نقاط عطف سیاسی در تاریخ ژاپن تا چه حد بر نظام آموزشی این کشور تاثیر گذاشت. برای دستیابی به پاسخ این پرسش ها باید به تاریخچه اصلاحات آموزشی در این کشور نگاهی کرد.

نخستین اصلاحات آموزشی ژاپن در دهه ۱۸۷۰ میلادی از سوی دولت میجی[1] انجام شد. میجی در راستای تبدیل کشور دیکتاتوری نظامی به کشوری دموکراتیک در کمترین زمان ممکن، دست به اصلاحات گسترده‌ای زد که یکی از این اصلاحات مربوط به مسائل آموزشی بود.

نقطه عطف دیگر در اصلاحات آموزشی ژاپن نیز مربوط به دوران پسا جنگ ژاپن است. شکست ژاپن در جنگ جهانی دوم و اشغال کامل آن از سوی نیروهای آمریکا در سال های ۱۹۴۵ تا ۱۹۵۲ سبب تصویب قانون اساسی جدید و اجرای اصلاحات گسترده سیاسی، اقتصادی و اجتماعی شد که مهمترین آن‌ها شامل اصلاح ارضی، اصلاح قانون کار و اصلاح نظام آموزشی بود. آمریکا در مرحله نخست اصلاحات آموزشی، آموزش هرگونه مطلب که به تقویت نظامی‌گری ژاپن منجر می‌شد را به حالت تعلیق درآورد و اجازه نداد در مدارس، تاریخ و جغرافیای ژاپنی تدریس شود. تمامی مطالب مرتبط نیز از کتب درسی حذف شد.

در مارس ۱۹۴۶ گروهی در قالب «ماموریت آمریکا درباره نظام آموزشی در ژاپن» وارد این کشور شد. آن ها با بررسی دقیق نظام آموزشی ژاپن، پیشنهاداتی را برای اصلاح این نظام مطرح کردند. این پیشنهادات در نهایت زمینه‌ساز تصویب قانون مهم آموزش در سال ۱۹۴۷ شد. براساس قوانین جدید، نظام آموزشی ژاپن به یک دوره ۶ ساله، دو دوره ۳ ساله و یک دوره چهارساله تقسیم شد. همچنین آموزش اجباری به ۹ سال یعنی دوره ابتدایی و راهنمایی افزایش یافت. مدارس عادی[2] هم که وظیفه تربیت معلم را داشتند، منحل شدند و جای خود را به دانشگاه های مدرن تربیت مدرس داد.

مدارس ژاپن سال های طولانی به شکل کاملا سنتی و سخنرانی وار برگزار می شد. در واقع معلم و متون آموزشی تنها ابزارهای آموزشی کلاس بودند. تا اینکه در سال ۱۹۵۹، شبکه «ان اچ کی آموزشی» هم راه اندازی شد و کمی سیستم آموزشی را منعطف تر کرد البته این هم تغییر جدی در داخل کلاس های درس ایجاد نکرد و تنها به ابزاری کمکی تبدیل شد. (Blumenthal & Oliver)

اصلاحات آموزشی دوران «میجی»

حکومت میجی در نخستین سال‌های به قدرت رسیدن (۱۸۶۸ تا ۱۸۸۰) با هدف مدرن‌سازی کشور دست به اصلاحات آموزشی زد. دولت میجی با تکیه بر سوگند امپراتوری که در ۶ آوریل ۱۸۶۸ امضا شده بود و در آن نوشته بود "دانش باید از هر جایی در جهان کسب شود"، بر نظام‌های آموزشی غربی مطالعات گسترده‌ای انجام داد و برخی ویژگی‌های آن‌ها را مطابق با شرایط ژاپن، اجرا کرد.

ژاپن همچون فرانسه مراکز تربیت معلم راه‌اندازی کرد و همچون آلمان دانشگاه‌های دولتی تحت نظارت طبقه نخبگان تاسیس کرد. البته در تمامی این موارد، ارزش‌های اخلاقی ژاپن همچون نظم کاملا در نظر گرفته می‌شد. در واقع ویژگی‌های غربی متناسب با جامعه ژاپن، تغییر می‌کرد.

[1] Meiji
[2] Normal Schools

این اصلاحات تا آنجایی مفید بود که حتی ادوین او رایشهاور، سفیر سابق آمریکا در ژاپن نیز با تحسین این اقدامات گفت که اصلاحات سبب تربیت کارگران نیمه ماهر و ماهر شد که جامعه ژاپن به شدت به آن نیاز داشت. (Reischauer)

امپراتور میجی در ۳۰ اکتبر ۱۸۹۰ بیانیه‌ای رسمی درباره نظام آموزشی ژاپن منتشر کرد که تا زمان شکست ژاپن در جنگ جهانی دوم و اشغال آن معتبر ماند. در این بیانیه بر لزوم آموزش ارزش‌های کنفسیوسی شامل وفاداری و اطاعت بی حد تاکید شده بود که به ویژه در دهه-های ۱۹۲۰ و ۱۹۳۰ سبب تقویت روحیه نظامی‌گری و ملی‌گرایی و آموزش آن در مدارس شد.

در این دوران، روند تاکید بر آموزش خواندن، نوشتن و حساب که در دوران ادو پایه‌گذاری شده بود ادامه یافت. دولت در سال ۱۸۷۱ با تقلید از نظام آموزشی متمرکز فرانسه، وزارت آموزش را تاسیس کرد. آموزش ابتدایی از سال ۱۹۷۲ برای دختران و پسران اجباری شد. این وزارتخانه در سال ۱۸۷۳ معلمان خارجی را برای آموزش به دانش‌آموزان ژاپنی استخدام کرد و یک هشتم بودجه وزارتخانه را هم به اعزام دانشجویان به کشورهای خارجی تخصیص داد. در همان سال ۲۵۰ ژاپنی در قالب طرح‌های مختلف همچون «ماموریت ایواکورا» برای ادامه تحصیل و یادگیری مهارت به کشورهای غربی اعزام شدند.

مجموع این اصلاحات در نهایت سبب شد که آمار دانش‌آموزان ابتدایی از ۳۰ درصد کودکان واجد شرایط در دهه ۱۸۷۰ به بیش از ۹۰ درصد تا سال ۱۹۰۰ و به بیش از ۹۵ درصد در سال ۱۹۰۵ برسد.

کتب درسی نیز در این دوران پر از مفاهیمی چون احترام به مافوق، نظام سلسله مراتبی، وفاداری و خدمت به حکومت بود که البته پس از اشغال ژاپن با تغییرات زیادی مواجه شد.

شعار دوران میجی «غنی کردن کشور، تقویت ارتش» بود. همین شعار در نظام آموزشی کشور هم تجلی یافت. موسسه مهندسی ژاپن به ریاست «یوزو یامائو» در سال ۱۸۷۲ از «هیو ماتیسون»، صنعتکار و تاجر اسکاتلندی خواست که زمینه را برای اعزام اساتید غربی به این موسسه در ژاپن و همچنین اعزام دانشجویان به ژاپن فراهم کند. گروهی از اساتید به سرپرستی «هنری دایر»، استاد مهندسی به ژاپن اعزام شدند. دایر به عنوان مدیر اجرایی موسسه مهندسی تا سال ۱۸۸۲، دوره ای ۶ ساله برای تربیت مهندسان جوان ژاپنی طراحی کرد. وی همچنین بسیاری از دانشجویان را برای تکمیل تحصیلات به گلاسکو اعزام کرد. خدمات وی به قدری ارزنده و موثر بود که از سوی امپرانور میجی به دریافت ارزشمندترین مدال امپرانوری برای خارجی ها نایل شد.

در سال ۱۸۸۵، «موری آرینوری» با سابقه کار دیپلماتیک در آمریکا و بریتانیا به عنوان وزیر آموزش ژاپن منصوب شد. وی در سال ۱۸۸۶ چهار فرمان درباره نظام آموزشی در دوره ابتدایی، متوسطه، تربیت معلم و دانشگاه صادر کرد. براساس این فرامین، تصمیم گرفته شد که دانشگاه توکیو تحت عنوان دانشگاه امپراتوری با هدف تربیت رهبران نخبه و تکنوکرات آشنا با دانش و مهارت های غربی کار کند.

دوران ابتدایی برای تربیت کودکانِ وفادار به امپراتور و دوران متوسطه برای آماده‌سازی دانش آموزان جهت ورود به دانشگاه امپراتوری تعیین شد.

پس از جنگ ژاپن و روسیه در سال‌های ۱۹۰۴ تا ۱۹۰۵ و جنگ جهانی اول در سال‌های ۱۹۱۴ تا ۱۹۱۸ درخواست برای ادامه تحصیل از سوی مردم به شدت افزایش یافت. از همین رو حکومت میجی در سال ۱۹۱۸ فرمان جدیدی صادر کرد که براساس آن مجوز تاسیس دانشگاه-های دولتی و غیردولتی جدید اعطا شد. در این زمان ۹۹ درصد کودکان تحصیل اجباری دوران ابتدایی را گذرانده بودند.

ملی‌گرایی و نظامی‌گری مدام رو به افزایش بود و جنگ چین و ژاپن در سال ۱۹۳۷، این روحیه را به شدت تقویت کرد. با ورود ژاپن به جنگ جهانی دوم، آموزش نظامی‌گری به الویت نخست حکومت تبدیل شد. به طوری در ماه‌های آخر جنگ، دانش‌آموزان غذا و تجهیزات نظامی آماده می‌کردند و معلمان هم به ارتش پیوسته بودند. می‌توان گفت که در سال ۱۹۴۵ عملا مدرسه و آموزشی وجود نداشت و همه درگیر جنگ بودند.

اصلاحات آموزشی پس از جنگ جهانی دوم و اشغال ژاپن

با شکست ژاپن در جنگ جهانی دوم، این کشور از سوی نظامیان آمریکا اشغال شد. آمریکا در این دوران سیاست غیرنظامی‌سازی، دموکراتیک-سازی و بازسازی ژاپن را پیش گرفت.

آمریکایی ها معتقد بودند که حکومت در ژاپن به صورت آگاهانه از ابزار آموزش برای پیشبرد اهدافش از جمله کشورگشایی و نظامی گری استفاده کرده است و این موضوع باید تغییر کند. (Wolfe, 1984, pp. 3-51)

در پایان جنگ جهانی دوم، ۱۸ میلیون دانش آموز به مدرسه نمی رفتند، چهار هزار مدرسه تخریب شده بود و فقط ۲۰ درصد از متون آموزشی مورد نیاز موجود بود. (Hall, 1949, p. 2)

گروهی شامل ۲۷ متخصص آموزش نیز در مارس ۱۹۴۶ از آمریکا به ژاپن سفر کردند تا پیشنهادهای خود را برای اصلاح نظام آموزشی ژاپن ارائه دهند. اصلاحات گسترده آموزشی که پس آن اجرا شد بر بنیان همین پیشنهادها صورت گرفت. (United States Education Mission, 1946)

یکی از مهمترین بازیگران در تغییر نظام آموزشی ژاپن فردی به نام ژنرال بونر فلرز[3]، مورد اعتمادترین مشاور ژنرال مک آرتور آمریکایی بود. داگلاس مک آرتور[4] در سال‌های ۱۹۴۵ تا ۱۹۵۱ در ژاپن حضور داشت و بر غیرنظامی‌سازی و اجرای اصلاحات در این کشور نظارت می‌کرد. ژنرال بونر فلرز در دوران جنگ جهانی دوم گزارشی به نام «جوانان، پیاده نظام ارتش‌ها» نوشته بود و در آن توضیح داده بود که باورهای مذهب «شینتو»، بنیان روحیه نظامی‌گری در امپراتور و مردم ژاپن است. وی حتی در این گزارش نقل قولی از دنیل هولتوم[5]، کارشناس مطالعات شینتو آورد که بر ارتباط مستقیم میان آیین شینتو و ملی‌گرایی و نظامی‌گری ژاپن تاکید کرده بود. (Nishi, 1982, pp. 176-180)

از همین رو ژنرال مک آرتور در ۱۵ دسامبر ۱۹۴۵ به « مائه دا تامون»[6]، وزیر آموزش ژاپن دستور داد که آموزش دکترین شینتو و هر مذهب دیگری در تمامی مدارس آموزشی ممنوع است. مک آرتور همچنین انتشار و خواندن کتاب «اصول کوکوتای[7]» را هم ممنوع اعلام کرد. این کتاب که در سال ۱۹۳۶ از سوی وزارت آموزش منتشر شده بود شامل اصول کلیدی اداره و حکومت کشور بود. انتشار و خواندن مانیفست وزارت آموزش ژاپن در دوران جنگ جهانی دوم موسوم به «شین مین نو میچی»[8] هم به شدت ممنوع شد.

در دسامبر ۱۹۴۵ نیز آموزش تاریخ و جغرافیای ژاپن به حال تعلیق درآمد. همچنین تعلیم آموزه های اخلاقی موسوم به «شونشین» [9]نیز ممنوع شد چرا که آمریکایی ها آن را محرکی برای خودبرتربینی ژاپنی ها و تمایل به کشورگشایی می دانستند.

اول ژانویه ۱۹۴۶ نیز روزی تاریخ ساز در تاریخ ژاپن بود. در این روز امپراتور ژاپن در سخنرانی معروف «بیانیه انسانی»[10] به مناسبت آغاز سال نوی میلادی اعلام کرد که امپراتور ماهیت خداگونه ندارد و انسان است. این سخنرانی راه را برای اجرای ماده نخست قانون اساسی جدید ژاپن مبنی بر آنکه امپراتور تنها نماد وحدت کشور است، باز کرد. فرماندهی عالی نیروهای متفقین[11] با استناد به همین سخنرانی دستور داد که دانش آموزان هر متن آموزشی را که در آن به امپراتور الوهیت داده می شود و وی را برتر از شهروندان می داند، دور بریزند. (Dower, 1999, pp. 309-310)

[3] Bonner Fellers
[4] Douglas MacArthur
[5] Daniel Clarence Holtom
[6] Maeda Tamon
[7] Kokutai
[8] Shinmin no Michi
[9] shushin
[10] Humanity Declaration (Ningen-sengen)
[11] Supreme Commander for the Allied Powers به اختصار (S.C.A.P)

در این دوران آموزه های علوم اجتماعی، حقوق و روابط بین الملل به جای آموزه های معنوی و اخلاقی موسوم به «سشین کیوکو»[12] در کلاس های درس تدریس شد. حتی کلاس تربیت بدنی هم در این دوره متفاوت شد. پیش از اشغال ژاپن از سوی نیروهای متفقین، مهارت های نظامی آموزش داده می شد اما پس از آن، ورزش های سبک در برنامه درسی قرار گرفت.(Notter, 1987)

به طور کلی در دوران اشغال ژاپن، سانسور کتب درسی به شکل جدی و سختگیرانه انجام می شد که البته به طنز تلخ آن دوران بدل شده بود. در زمانی که آمریکایی ها مدعی بودند که با هدف ایجاد دموکراسی و آزادی به ژاپن آمده اند، نظام آموزشی چندان هم دموکراتیک اداره نمی شد. (Beauchamp, 1987, pp. 299-324)

البته در این دوران طرح هایی هم از سوی آمریکایی ها ارائه شد که هرگز عمیاتی نشد. به عنوان مثال کارشناسان آموزشی آمریکایی پیشنهاد دادند که با توجه به دشواری الفبای نوشتاری ژاپنی، الفبای انگلیسی وارد نظام نوشتاری ژاپن شود. اما این طرح با مخالفت سرسختانه ژاپنی ها مواجه شد.

چندین قانون بسیار مهم درباره نظام آموزشی شامل قانون آموزشی مدارس (۱۹۴۷)، قانون هیئت آموزشی (۱۹۴۸)، قانون آموزش اجتماعی (۱۹۴۹) و قانون مدارس خصوصی (۱۹۴۹) پس از جنگ جهانی دوم تصویب شد. در واقع تصویب مجموعه این قوانین سبب اجرای ۵ اصلاح در نظام آموزشی شد:

۱. تغییر نظام آموزشی به نظام آموزشی ۴-۳-۳-۶ (۶ سال ابتدایی، ۳ سال راهنمایی، ۳ سال دبیرستان، ۴ سال دانشگاه)

۲. افزایش مدت تحصیل اجباری به ۹ سال

۳. ایجاد مدارس مختلط

۴. تاسیس هیئت‌های آموزشی در سطح استانی و ناحیه‌ای

۵. انحلال مراکز تربیت معلم و ایجاد دانشگاه های تربیت مدرس

دو قانون دیگر نیز در این زمان برای بهبود تحصیلات عالیه به ویژه در زمینه صنعت و علوم پایه تصویب شد: قانون بهبود آموزش صنعتی (۱۹۵۱) و قانون بهبود آموزش علوم پایه (۱۹۵۳).(Chuang & Tsai, 2010) این قوانین به تخصیص یارانه برای تجهیز کردن آزمایشگاه‌ها و کارگاه‌ها در مدارس دولتی و خصوصی و دانشگاه‌ها منجر شد.

البته نباید از یاد برد که این اصلاحات در کنار همه مزایایی که برای بازسازی اقتصاد و صنعت کشور داشت، معایبی هم داشت. این قوانین سختگیرانه سبب نظارت بیش از حد روی کودکان شد. همین موضوع به افزایش اضطراب در دانش‌آموزان و دانشجویان انجامید. آمار خودکشی و اعتیاد به مواد مخدر نیز به صورت چشمگیری افزایش یافت. (The History of Japan's Educational Development, 2004)

امتحانات ورودی به دانشگاه‌ها به قدری دشوار و رقابت زیاد بود که آموزشگاه‌هایی ویژه امتحان ورودی مدارس (به ژاپنی: جوکو[13]) شکل گرفت. همچنین پدیده‌ای به عنوان «فوتوکو»[14] به وجود آمد که در آن دانش‌آموزان از رفتن به مدرسه سر باز می‌زدند. زورگویی و خشونت دانش آموزان قوی تر علیه دانش‌آموزان ضعیف تر موسوم به ایجیمه[15] نیز محصول همین دوران بود. (Primary Schools in Japan,

[12] Seishin kyoiku
[13] Juku
[14] Futoko
[15] Ijime

(2011 . براساس بیانیه وزارت آموزش، فرهنگ، ورزش، علم و فناوری ژاپن، ایجیمه یا زورگویی به موقعیتی گفته می شود که در آن دانش آموزی در داخل یا خارج از مدرسه از سوی فرد یا افرادی مورد آزار روحی یا / و جسمی قرار گیرد.

نتیجه گیری

شکست ژاپن در جنگ جهانی دوم و اشغال آن به دست فرماندهی عالی نیروهای متفقین، تاثیری بزرگ و همیشگی بر ژاپن گذاشت. در این دوران ژاپن اصلاحات و تغییرات زیادی را تجربه کرد که در این مقاله به مهمترین تاثیرهای آن در بخش آموزش اشاره شد.

اصلاحات آموزشی این دوران در زمانی کوتاه، آموزه های ملی گرایانه و نظامی گرایانه را به آموزه های غربی با ارزش های دموکراتیک تبدیل کرد.

رویکرد ژاپن پس از جنگ جهانی دوم که به جای انتقام جویی یا ناامیدی به دنبال پیشرفت و احیای اقتصاد صنعتش بود تا حد زیادی در همین اصلاحات گسترده اجتماعی در ژاپنِ پس از اشغال ریشه دارد.

با وجود آنکه بلافاصله پس از پایان اشغال ژاپن، وزارت آموزش اختیارات زیادی را برای تالیف کتب درسی به بخش خصوصی واگذار کرد اما همچنان ارزش هایی همچون خنثی بودن آموزه های درسی از لحاظ سیاسی و مذهبی حفظ شد. (Hein & Selden, 2000, pp. 104-105)

به طور کلی می توان نتیجه گرفت که فضای سیاسی و مناسبات خارجی کشورها بر سیاستگذاری آموزشی آن کشورها نیز تاثیر زیادی دارد. همانطور که در ژاپن نیز به وضوح شاهد دو نظام آموزشی متفاوت در دوران پیش و پس از جنگ جهانی دوم هستیم. نظام آموزشی دوره میجی، تایشو و اوایل شووآ بیشتر به دنبال نظامی گری، ترویج ملی گرایی و وطن پرستی بود؛ همانطور که در آن زمان نظام حاکم بر ژاپن به دنبال کشورگشایی بود. اما نظام آموزشی پس از شکست در جنگ جهانی دوم و اشغال بیشتر بر پیشرفت در اقتصاد و صنعت متمرکز شد.

References

Beauchamp, E. R. (1987). The Development of Japanese Educational Policy, 1945-85. History of Education, 27, 299-324.

Blumenthal, H., & Oliver, G. (2006). This Business of Television. Billboard.

Chuang, K.-C., & Tsai, M.-C. (2010, December). The Exploration and Inspiration on the Comparison of Technological and Vocational Education. Journal of Asian Vocational Education and Training, 27-41.

Dower, J. W. (1999). Embracing Defeat: Japan in the Wake of World War II. New York: W. W. Norton & Company.

Hall, R. K. (1949). Education for a new Japan. New Haven: Yale University .

Hein, L. E., & Selden, M. (2000). Censoring History: Citizenship and Memory in Japan, Germany, and the United States. New York: M.E. Sharpe.

Hood, C. (2001). Japanese Education Reform: Nakasone's Legacy. London: Routledge.

Imaizumi, K. S., & Seiji, W. (2008). Utilization of Educational Media in Japanese. NHK Broadcasting Studies.

Mizukoshi, T. (1994). A new view of scholastic ability and the changing role of media in the. Educational Technology Research Journal, 35-43.

Nishi, T. (1982). Unconditional Democracy: Education and Politics in Occupied Japan. Stanford: Hoover Press.

Notter, H. A. (1987). Post World War Foreign Policy Planning. National Archives of the United States, Modern Military Branch, Record Group 59, General Records ofthe Department of State. Records of Harley A. Notter. Bethesda: Congressional Information Service. Retrieved from https://www.bsb-muenchen.de/mikro/lit146.pdf

(2011). Primary Schools in Japan. National Institute for Educational Policy Research. Retrieved from http://www.nier.go.jp/English/educationjapan/pdf/201109BE.pdf

Reischauer, E. O. (1978). The Japanese. Cambridge: Belknap Press.

The History of Japan's Educational Development. (2004). Tokyo : Institute for International Cooperation Japan International Cooperation Agency. Retrieved from https://www.jica.go.jp/jica-ri/IFIC_and_JBICI-Studies/english/publications/reports/study/topical/educational/pdf/educational_02.pdf

UNESCO. (2002). Education for Sustainability. Paris: UNESCO.

United States Education Mission. (1946). Report of the United States Education Mission to Japan. Retrieved from http://www.mext.go.jp/b_menu/hakusho/html/others/detail/1317419.htm

Wieczorek, C. C. (2008). Comparative Analysis of Educational Systems of American and Japanese Schools: Views and Visions. Educational Horizons.

Wolfe, R. (1984). Americans as Proconsuls: United States Military Government in Germany and Japan, 1944-1952 (1st Edition ed.). Southern Illinois University Press.

Yamane, E. (2002). Entrepreneurship Education in the 'Period for Integrated Study' in Elementary and Lower Secondary Schools in Japan. Citizenship, Social and Economics Education.